**پژوهشی در روش تفسیر علمی قرآن**

دکتر محمد علی رضایی اصفهانی

یکی از مباحث گسترده و عمیق در عصر حاضر، مبحث قرآن و علوم جدید است که ذهن بسیاری از مفسران شیعه و سنی و حتی برخی دانشمندان غیر مسلمان را به خود مشغول کرده است .

از طرفی مباحث مربوط به ماهیت علم تجربی و رابطه آن با قرآن و قلمرو و حوزه های علم و قرآن و تعارضات پنداری و ابتدایی در این مورد، و از طرف دیگر علاقه مردم و دانشمندان به این مبحث و دیدگاه های متفاوت مفسران و از طرف سوم مثال های متنوع و زیاد که حدود هزار آیه قرآن را در بر می گیرد، سبب شده که مبحثی گسترده به نام تفسیر علمی در روش شناسی تفسیر علمی پیدا شود . البته در این باره موضوع ها و مقدمه های دیگری هم وجود دارد که نیاز به کاوش دارد، مانند: آیا همه علوم بشری در قرآن وجود دارد یا نه و آیا هدف مثال های علمی قرآن چیست؟

ما در این مقاله به ذکر مطالبی فشرده در این موضوع بسنده می کنیم .

پیشنه تاریخی تفسیر علمی و علل رشد آن

خورشید اسلام، در سرزمین عربستان طلوع کرد و اعراب آن سرزمین را که تعداد افراد با سواد آن ها، از تعداد انگشتان تجاوز نمی کرد، به دانش دعوت کرد و قرآن را، به عنوان معجزه معرفی کرد .

قرآن با دعوت به تفکر و تعمق در آیات الهی، خلقت آسمان ها، زمین و . . . مردم را از خواب جهل و غفلت بیدار کرد . مسلمانان که با فتوحات عظیم در قرن اول هجری، به سرزمین های تازه ای دست یافته بودند، هر روز با افکار نو و ادیان دیگری آشنا می شدند . با فروکش کردن نسبی جنگ ها، تبادل فرهنگی بین اسلام، ادیان و تمدن های ایران، روم و یونان آغاز شد و ترجمه آثار دیگر ملل، در دوره هارون الرشید و مامون شدت گرفت . (1)

مسلمانان علومی مانند: طب، ریاضیات، نجوم، علوم طبیعی و فلسفه را از یونان گرفتند و مطالب زیادی به آن ها اضافه کردند و در طی چند قرن، خود را به اوج قله دانش رساندند . چنان که مسلمانان در قرن سوم و چهارم هجری، بهترین کتاب ها را در باره طب (مانند قانون بوعلی سینا)، در باره فلسفه (مانند شفای بوعلی سینا)، ریاضیات و نجوم نگاشتند . حتی غرب که اصل این علوم را از یونان گرفته و به مسلمانان وام داده بود، مجبور شد، دوباره آن ها را از مسلمانان بگیرد . از این رو، در قرن دوازده میلادی به بعد، نهضت ترجمه در اروپا شکل گرفت و نظریه های بوعلی سینا و ابن رشد، تا سال ها در دانشگاه های اروپا، تفکر حاکم بود .

ترجمه و تالیف آثار غیر مسلمانان، در باره علوم مختلف، موجب شد تا تعارض هایی بین ظاهر بعضی آیات قرآن و علوم جدید به نظر آید . دانشمندان مسلمان، در همان قرن های اولیه اسلام، در تلاش برای رفع این معضل، دو طریق زیر را انتخاب کردند:

الف: رد مطالب باطل این علوم که برای آگاهی مردم و ارشاد آنان صورت می گرفت; زیرا بسیاری از مبانی فلسفی و علمی یونان، قابل اشکال بود و از طرفی، با دین اسلام هم به معارضه برخواسته بود . بر این اساس، کتاب هایی مانند: تهافت الفلاسفه نوشته ابو حامد غزالی و مفاتیح الغیب نوشته فخر رازی نوشته شد .

ب: انطباق آیات قرآن با علوم تجربی یونان، تا به مردم ثابت کنند که قرآن بر حق و مطالب علمی آن صحیح است . از این رو، آیاتی از قرآن، مانند آسمان های هفت گانه (سبع سموات) را بر سیاره های هفت گانه که در نجوم یونانی، اثبات شده بود، حمل کردند ازاین جا بود که روش تفسیر علمی پیدا شد و رشد کرد . اما این شیوه تفسیر که همواره با جذابیت خاصی برای جوانان و افراد تحصیل کرده همراه بود در طول تاریخ به صورت یکنواخت رشد نکرد بلکه گاهی تحت تاثیر عواملی اوج گرفت و بعضی اوقات رونق خود را از دست داد .

این شیوه تفسیر به طور عمده سه دوره داشته است:

دوره نخست از حدود قرن دوم هجری تا حدود قرن پنجم بود که با ترجمه آثار یونانی به عربی آغاز شد و برخی مسلمانان سعی کردند آیات قرآن را با هیئت بطلمیوسی تطبیق کنند (مانند بوعلی سینا). (2)

دوره دوم از حدود قرن ششم شروع شد، هنگامی که بعضی دانشمندان به این نظریه متمایل شدند که همه علوم در قرآن وجود دارد و می توان علوم مختلف را از قرآن کریم استخراج کرد . در این مورد غزالی سر آمد بود . این دو نوع از تفسیر علمی (تطبیق قرآن با علوم و استخراج علوم از قرآن) قرن ها، ادامه داشت و هر زمان دانشمندان مسلمان، به موافقت یا مخالفت با آن می پرداختند .

دوره سوم از تفسیر علمی که موجب اوج گیری و رشد فوق العاده آن شد، از زمانی آغاز شد که از قرن 18 میلادی به بعد علوم تجربی در مغرب زمین رشد کرد و کتاب های مختلف در باره علوم فیزیک، شیمی، پزشکی و کیهان شناسی به عربی ترجمه شد . این دوره جدید به ویژه در یک قرن اخیر، که در جهان اسلام، اثرات خود را در مصر و هندوستان بر جای گذاشت، موجب شد تا دانشمندان مسلمان در صدد انطباق قرآن با علوم تجربی برآیند .

این مساله آن موقع اهمیت بیشتری یافت که تعارض علم و دین در اروپا اوج گرفت و کتاب مقدس، به سبب تعارض هایش با علوم جدید هر روز عقب نشینی تازه ای می کرد و میدان برای پیدایش افکار الحادی و ضد دینی باز می شد .

هجوم این افکار به کشورهای اسلامی و تفوق صنعتی غرب، موجب جذب جوانان مسلمان به فرهنگ غربی می شد .

در این میان عده ای از دانشمندان مسلمان برای دفاع از قرآن و با توجه به سازگاری علم و دین از نظر اسلام، به میدان آمدند تا نشان دهند که آیات قرآن، نه تنها با علوم جدید در تعارض نیست بلکه بر عکس، یافته های علمی، اعجاز علمی قرآن را اثبات می کند . از این رو، به استخدام علوم در فهم قرآن اقدام کردند و تفسیرهای علمی نوشته شد، هر چند در این میان برخی افراط کرده یا یکسره جذب فرهنگ غربی شدند و دست به تاویل و تفسیر به رای در آیات قرآن زدند و از آن جا که مبانی تفسیری این روش بررسی کامل نشده بوده، دچار انحراف شدند و یا عده ای از مغرضان آن ها، برای اثبات افکار انحرافی خود دست به تفسیر علمی و تاویل های نابه جا زدند و همین مطلب موجب شد تا احساسات برخی مسلمانان برافروخته شود و در مقابل تفسیر علمی موضع گیری کنند و آن را یکسره به باد حمله بگیرند و آن را نوعی تفسیر به رای یا تاویل غلط آیات قرآن بدانند . در این میان بسیاری از عالمان و دانشمندان و مفسران، در ایران و مصر راه انصاف پیمودند و بین انواع تفسیر علمی و اهداف گویندگان آن، فرق گذاشتند و به اصطلاح قایل به تفصیل شدند .

دیدگاه ها در باره تفسیر علمی قرآن

مفسران و دانشمندان مسلمان در مورد تفسیر علمی قرآن سه دیدگاه متمایز دارند که به صورت مختصر به آن ها اشاره می کنیم:

اول: دیدگاه موافق تفسیر علمی

جمعی از مفسران قرآن، فیلسوفان، متفکران و بسیاری از متخصصان علوم تجربی طرفدار تفسیر علمی بوده و از علوم تجربی در تفسیر آیات قرآن استفاده کرده اند .

اینک به برخی از مهم ترین شخصیت هایی که به نوعی به برخی اقسام تفسیر علمی اقدام کرده اند، اشاره می کنیم:

نمونه هایی از تطبیق قرآن با برخی مطالب علمی در آثار دانشمندانی همچون: ابن سینا (3) ، ابو حامد غزالی (4) ، امام فخر رازی (5) ، بدر الدین محمد بن عبدالله زرکشی (6) ، جلال الدین سیوطی، علامه مجلسی (7) و ملاصدار (8) مشاهده می شود . اما طرفداران رسمی و سرسخت تفسیر علمی قرآن در یک قرن اخیر عبارت اند از:

1- سید عبدالرحمن کواکبی (م: 1320 ق) در کتاب طبایع الاستبداد و مصارع الاستعباد در موارد متعددی به انطباق قرآن با علوم تجربی پرداخته و برای جدا شدن ماه از زمین (بر طبق نظریات کیهان شناسی) به آیه 41 سوره رعد و آیه 1 سوره قمر استدلال کرده است . (9)

2- سر سید احمد خان هندی (1898- 1817 م) و سید امیرعلی (1347- 1265 ق) از دانشمندان هندی که برای تفسیر علمی دانشکده ای در «علیگره » تاسیس کردند و نماز و روزه و زکات و حج را بر پایه فایده های جسمانی و اجتماعی تفسیر کردند و حتی قوای طبیعی مانند آب و باد و ابر را ملک (فرشته) می دانستند و امکان وقوع معجزه و تاثیر دعا را انکار می کردند . سید جمال الدین اسد آبادی در هند با تفسیر آنان مخالفت کرد .

3- طنطاوی (م: 1862 م) صاحب تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن که تفسیر او را می توان اوج استفاده از علوم در تفسیر قرآن نامید .

وی در موارد متعددی از علوم مختلف در تفسیر قرآن استفاده کرده است . از جمله علم احضار ارواح را از آیات مربوط به گاو بنی استخراج کرده است . در هر مبحث تفسیری بسیاری از علوم جدید را در لابه لای تفسیر آورده است . (11)

4- عبدالرزاق نوفل از نویسندگان مصری که چند کتاب در باره تفسیر علمی نوشته است که عبارت اند از: القرآن و العلم الحدیث، الله و العلم الحدیث، الاسلام و العلم الحدیث، بین الدین و العلم . . .

5- سید هبة الدین شهرستانی (1301- 1369 ق) در کتاب اسلام و الهیئة که حرکت زمین را از آیه «والذی جعل لکم الارض مهدا» (12) استفاده کرده است (13) و معتقد است «بیان تصدیق و تایید علوم و اکتشافات جدید از طریق دین و لسان علما موجب تقویت ایمان مردم است . (14)

برخی از نویسندگان متاخر ایران که در مورد تفسیر علمی قلم زده اند عبارت اند از: آیة الله طالقانی در تفسیر پرتوی از قرآن، محمد تقی شریعتی در تفسیر نوین، حجة السلام اهتمام در فلسفه احکام، دکتر پاک نژاد در اولین دانشگاه و آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله، مهندس بازرگان در کتاب های راه طی شده، باد و باران در قرآن، مطهرات در اسلام و . . .

کسانی را که به تفسیر علمی قرآن پرداخته اند می توان به چند دسته تقسیم کرد که هر گروه هدف خاصی را دنبال می کرده اند .

1- کسانی که تلاش کردند علوم مختلف را از قرآن استخراج کنند، از جمله این افراد: غزالی، المرسی، زرکشی، سیوطی، طنطاوی بودند .

دلیل عمده بیشتر این افراد آن بوده که همه علوم در قرآن وجود دارد . پس می توان با دقت در آیات و با روش های خاص و با کمک علوم، آن ها را از آیات استخراج کرد .

2- افرادی که نظریه های ظنی علوم را بر آیات قرآن تطبیق کرده اند که از جمله این افراد می توان از، سید عبدالرحمن کواکبی، و عبد الرزاق نوفل نام برد .

البته گاهی برخی از این افراد نظریه های علمی را بر قرآن تحمیل کرده اند .

همان طور که عبدالرزاق نوفل در باره آیه «هو الذی خلقکم من نفس واحدة و جعل منها زوجها» می گوید: مقصود از نفس واحد، همان پروتون و زوج همان الکترون است و این دو عنصری است که اتم از آن ها تشکیل شده است .

وی این مطلب را دلیل اعجاز علمی قرآن شمرده است . (15)

3- گروهی در پی اثبات اعجاز علمی قرآن بوده اند . برای مثال در مورد زوجیت عام و زوجیت

گیاهان ادعای اعجاز علمی کرده اند . (16) مانند مصطفی صادق رافعی (م: 1938 م) در کتاب اعجاز القرآن و البلاغة النبویة .

4- گروهی در پی نشان دادن اهمیت علم در نظر اسلام بوده اند مانند: طنطاوی و سید هبة الدین شهرستانی .

5- گروهی در پی اثبات افکار انحرافی خود بودند و تلاش کردند که با استفاده از علوم تجربی، معجزه های پیامبران را که در قرآن بیان شده توجیه و انکار کنند . از جمله این افراد می توان از سر سید احمد خان هندی و سید امیرعلی و رشید رضا (1865- 1935 م) در المنار نام برد .

رشید رضا در ذیل آیه 243 سوره بقره مساله مرگ افراد را به شکست آن ها و از دست دادن استقلال و زنده شدن آنان را به استقلال و قوت مجدد تفسیر کرده است (17) و ذیل آیه 260 سوره بقره زنده شدن چهار مرغ را در داستان حضرت ابراهیم علیهما السلام به تربیت و انس آنان تفسیر کرده است . (18)

به سبب وجود همین افراد بود که افرادی همچون علامه طباطبایی رحمهم الله به تطبیق قرآن بر علوم تجربی خرده گرفتند و آن را رد کردند (19)

دوم: دیدگاه مخالف تفسیر علمی

1- ابواسحاق شاطبی (790 ق) فقیه مالکی مذهب اندلسی در کتاب الموافقات تفسیر علمی را انکار و دلیل های معتقدان آن را رد می کند و معتقد است در زمان نزول قرآن، اعراب علومی داشتند مانند: نجوم، علم اوقات نزول باران، علم طب، بلاغت، فصاحت، علم کهانت، رمل، جفر و . . . . اسلام و قرآن، این علوم را به دو دسته تقسیم کرد . علومی که صحیح بود تصدیق کرد و بر آن ها مطالبی افزود و علومی که باطل بود (مانند کهانت، رمل و) . . . را باطل شمرد و منافع و مضار هر دسته را اعلام کرد . سپس برای هر دسته، مثال هایی از قرآن می آورد . (20) سپس نوشته است «بسیاری از مردم از حد تجاوز کردند، ادعا کردند که در قرآن، همه علوم گذشتگان و آیندگان وجود دارد، مانند: علوم طبیعی، هندسه، ریاضی منطق و علم حروف، ولی این صحیح نیست . سپس برای ادعای خود دلیل می آورد که از سلف صالح، کسی این ادعا را نکرده است و قرآن هم، برای بیان احکام تکالیف و احکام آخرت و مسایل جنبی آن آمده است (21) . پس از آن دلیل های معتقدان به تفسیر علمی را که به آیات قرآن «تبیانا لکل شی ء» (22) «ما فرطنا فی الکتاب من شی ء» (23) استناد کرده اند، رد کرده و نوشته است: این آیات مربوط به تعبد و تکلیف است و مراد از کتاب، در آیه دوم لوح محفوظ است و در مورد حروف فواتح سور هم می گوید: که عدد جمل (حروف ابجد و تطبیق آن با آیات) اثبات نشده و این از معارف اهل کتاب است و فواتح را از متشابهات می داند . (24)

2- شیخ محمود شلتوت (1893- 1964 م) از علمای الازهر مصر و دکتر ذهبی را نیز می توان جزو مخالفان تفسیر علمی قرآن شمرد . (25)

سوم: دیدگاه تفصیل در تفسیر علمی

برخی از مفسران و دانشمندان اسلامی یک قسم از تفسیر علمی را با شرایطی پذیرفته و قسمی دیگر را رد کرده اند .

از جمله کسانی که این راه را توصیه کرده اند محمد مصطفی مراغی (1881- 1945 م) شیخ جامع الازهر و از علمای بزرگ مصر و سودان است .

وی از کسانی است که دو مطلب مختلف، نسبت به تفسیر علمی دارد . در مقدمه اش بر کتاب الاسلام و الطب الحدیث نوشته عبدالعزیز اسماعیل نوشته است: «من نمی خواهم بگویم که قرآن کریم، همه علوم را به صورت کلی و تفصیلی در بر دارد، بلکه می گویم که قرآن اصول عام هر چیزی را که معرفتش، برای انسان مهم است و عمل به آن، انسان را به درجه کمال جسمی و روحی می رساند، در بر دارد و درهای علم را برای دانشمندان علوم مختلف باز کرده تا بتوانند جزئیات آن علوم را طبق پیشرفت زمان، برای مردمشان بیان کنند .»

هم چنین نوشته است: کسانی که برای [تطبیق با] نظریه های علمی - که ثبات ندارد - قرآن را تاویل می کنند خطر بزرگی برای قرآن است . . . زیرا نظریه های علمی که ثابت نشده است، صحیح نیست قرآن را به آن ها، برگردانیم . در پایان نوشته است: واجب است که آیه قرآن را به طرف علوم نکشانیم، تا تفسیرش کنیم و علوم را هم به طرف آیه نکشانیم تا قرآن را تفسیر کنیم، بلکه اگر ظاهر یک آیه با یک حقیقت علمی ثابت موافق باشد، آن آیه را با آن حقیقت علمی تفسیر کنیم (26) .

، علامه طباطبایی (28) ، آیة الله مکارم شیرازی (29) آیة الله سبحانی (30) ، و آیة الله معرفت (31) نیز از جمله معتقدان به تفصیل در مورد تفسیر علمی قرآن می باشند .

دلیل های موافقان و مخالفان تفسیر علمی

در باره تفسیر علمی آرای مختلف و متضادی وجود دارد و هر کدام از مفسران و صاحب نظران این بحث دلیل های متعددی ارائه کرده اند . گاهی از مطلق تفسیر علمی دفاع کرده اند و گاهی مطلقا آن را رد کرده اند و گاهی از دیدگاه تفصیل خاص دفاع کرده اند . در مبحث دیدگاه ها به برخی از این دلیل ها اشاره شد و اینک در این جا دلایل هر دیدگاه را جداگانه بیان می کنیم و به نقد و بررسی آن ها می پردازیم .

دلیل های موافقان تفسیر علمی

موافقان تفسیر علمی برای اثبات ضرورت تفسیر علمی قرآن به دلیل های زیر استدلال کرده اند:

1- استخدام علوم در تفسیر قرآن موجب تبیین اشارات علمی قرآن می شود و ما را در تفسیر، تبیین و فهم بهتر آیات یاری می کند . برای نمونه قرآن از زیان و منافع شراب سخن می گوید: «قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس (32) » و یافته های علوم پزشکی این آیه را توضیح می دهد و مقصود خدا را از منافع و مضار تبیین می کند و تفسیر روشنی از آیه در اختیار ما می گذارد . البته گاهی تفسیر برخی آیات قرآن بدون کمک گرفتن از علوم جدید بسیار مشکل می شود . برای مثال فهم و تفسیر آیه های 12- 14 سوره مؤمنون و آیه 5 سوره حج نیاز مبرم به استفاده از علوم پزشکی دارد، همان طور که برای فهم لغات آیه از لغت قرآن استفاده می کنیم، برای فهم مراحل خلقت انسان نیز از علم جنین شناسی استفاده می کنیم .

البته باید در این مورد توجه کرد که نظریه های ثابت نشده علمی را بر قرآن تحمیل نکنیم و اقدام به استخراج علوم از قرآن نیز نکنیم بلکه علوم تجربی منبع و ابزاری در خدمت تفسیر قرآن در آید .

2- تفسیر علمی قرآن در برخی موارد می تواند اعجاز علمی قرآن را اثبات کند . یعنی قرآن کریم چهارده قرن قبل مطلبی علمی را بیان کرده که برای انسان آن عصر کشف نشده بوده و مردم از آوردن مثل آن عاجز بوده اند و اکنون پس از قرن ها به طور قطعی به وسیله علوم تجربی کشف آمده است .

از این مطلب استفاده می شود که قرآن، معجزه ای الهی است که نمی تواند کلام بشری باشد .

در مورد اعجاز علمی قرآن به آیاتی در مورد زوجیت عام موجودات (و زوجیت گیاهان (33) ، نیروی جاذبه (34) ، حرکت خورشید (35) ، فلسفه حرمت شراب خواری (36) ، مراحل خلقت انسان (37) ، لقاح ابرها و گیاهان (38) و . . . استدلال شده است .

3- تفسیر علمی قرآن باعث افزایش ایمان مردم مسلمان و گرایش غیر مسلمانان به قرآن و اسلام می شود . یعنی هنگامی که ابت شد قرآن اشارات علمی دارد که قرن ها قبل از کشفیات علوم تجربی آن ها را بیان کرده است، ایمان مسلمانان و به ویژه جوانان نسبت به صدق قرآن بیشتر می شود . همان طور که مخالفان قرآن در برابر آن سر تسلیم فرود می آورند و به عظمت آن اعتراف می کنند . از این روست که می بینیم برخی دانشمندان غربی همچون «موریس بوکای » در کتاب مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، به بررسی مطالب علمی قرآن، تورات و انجیل پرداخته و در موارد متعددی اعتراف کرده است که تورات و انجیل با یافته های علوم تجربی مخالف است اما قرآن مطالب مخالف علم ندارد، بلکه در این مورد مطالب اعجازآمیزی بیان کرده است . (39)

4- بعضی چنین استدلال کرده اند که روش عقلی (که همان روش قدما بود) باطل شده است، زیرا با پیشرفت علوم تجربی و فلسفه در غرب، روش عقلی (ارسطویی) باطل شد و از طرفی روایات هم، برای تفسیر قرآن مورد اعتماد نیست; چون در بسیاری موارد اسرائیلیات و جعلیات داخل آن ها شده است . پس تنها راه باقی مانده برای تفسیر قرآن، همان تفسیر علمی است . یعنی قرآن را در پرتو نظریه ها و تجربه های علمی بشر تفسیر کنیم . (40)

5- هنگامی که ظواهر بعضی آیات قرآن، با مطالب علمی معارض شود، ناچاریم قرآن را تفسیر علمی کنیم تا تعارض آن ها رفع شود . برای مثال در هزار سال قبل که هیئت بطلمیوسی حاکم بود و وجود افلاک نه گانه را امری مسلم می دانستند، آسمان های هفت گانه قرآن، با افلاک نه گانه مطابقت نداشت . پس ناچار شدند عرش و کرسی را به عنوان فلک هشتم و نهم معرفی کنند تا تعارض ظاهر آیات با علم نجوم آن زمان برطرف شود .

6- بعضی از نویسندگان معاصر مصر آورده اند: اعجاز قرآن برای اعراب به وسیله الفاظ و ترکیب جالب و غیر قابل تقلید آن، اثبات می شود . از این رو، قرآن تحدی کرده و گفته است هر کس می تواند سوره ای مانند آن بیاورد، ولی با گذشت چهارده قرن کسی نتوانسته است سوره ای مانند قرآن بیاورد . اما برای ملت های غیر عرب که نمی توانند اعجاز ادبی قرآن را درک کنند لازم است که تفسیر علمی از قرآن صورت گیرد; زیرا اعجاز علمی قرآن، آنان را قانع و به طرف اسلام جذب می کند . (41)

7- پاره ای از دانشمندان استدلال می کنند که در قرآن همه علوم بلکه همه چیز وجود دارد و به آیاتی مانند «نزلنا علیک الکتاب تبیانا لکل شی ء (42) » استدلال می کنند . از این رو می کوشند تا ثابت کنند که در قرآن علم طب، هیئت، هندسه و . . . وجود دارد .

بررسی دلیل های موافقان تفسیر علمی

دلیل چهارم کامل نیست; زیرا این که می گویند: «روش عقلی به وسیله فلسفه غرب باطل شده است .» مطلبی است قابل بحث و بسیاری آن را قبول ندارند و یا حداقل در بخشی از معارف بشری قابل قبول نیست; چون برخی مسایل علمی مانند شیمی و فیزیک از راه آزمایش و تجربه پیشرفت می کند، ولی در همان موارد هم، استقرا ناقص است و برای تعمیم قوانین علمی، به استدلال عقلی احتیاج داریم . (43) از طرف دیگر، در بعضی معارف بشری استدلال عقلی، کاربرد اصلی دارد مانند علم منطق و ریاضی و تجربه اگر وجود داشته باشد، نقش ثانوی خواهد داشت .

اما این که گفتند روایات قابل خدشه است، این هم به طور مطلق قابل قبول نیست، زیرا روایات ما چند گروه است .

الف: خبر واحد ضعیف;

ب: خبر واحد صحیح;

ج: خبر واحد همراه با قرینه که آن را به خبر یقینی تبدیل می کند;

د: خبر متواتر که اطمینان بخش است .

ما در تفسیر قرآن، بیشتر از دو گروه اخیر استفاده می کنیم و اشکال ضعف یا جعل، به گروه اول وارد است که در تفسیر قرآن نقشی ندارند .

در مورد دلیل پنجم می گوییم: در بحث تعارض قرآن و علم روشن شده است که بین قرآن و علم قطعی، تعارضی وجود ندارد (44) و اگر تعارضی بین علم ظنی با قرآن درگیرد، ما نمی توانیم برای علوم ظنی، دست از دلیل قطعی (قرآن) بر داریم .

دلیل ششم در بعضی موارد صادق است ولی یک قضیه کلی نیست; زیرا بسیاری از غیر عرب ها نیز دانش ادبیات عرب را دارا هستند و می توانند اعجاز ادبی قرآن را متوجه شوند و یا حداقل، هر غیر عربی می تواند با فراگیری ادبیات عرب، از اعجاز قرآن مطلع شود .

دلیل هفتم صحیح نیست; زیرا آیه «تبیانا لکل شی ء» (45) قرینه لبی دارد . یعنی بیان کننده هر چیزی است که در راستای هدف قرآن باشد و هدف اصلی قرآن، هدایت بشر است و هر چیزی که مربوط به هدایت بشر است، در قرآن وجود دارد (46) . اگر اشارات علمی داشته باشد در راستای همان هدف خواهد بود . یعنی برای توجه دادن انسان به خدا، آیات او را در طبیعت یادآوری می شود .

علاوه بر آن، ظهور این آیه و آیات مشابه خلاف بداهت است; چون می بینم که در ظاهر آیه های قرآن (که مورد بحث تفسیر علمی است) همه فرمول ها و جزئیات علوم تجربی وجود ندارد . شاهد این مطلب آن که برخی از مفسران آشکارا این ظهور را انکار کرده اند . (47)

دلیل اول و دوم تفسیر علمی قوی است و ضرورت تفسیر علمی قرآن را اثبات می کند . ولی بدان معنی نیست که ما را از روش های دیگر تفسیر قرآن بی نیاز می سازد، بلکه این دو دلیل دلالت می کند که در تفسیر قرآن همان طور که از قرینه های عقلی و نقلی استفاده می شود باید از قرینه های قطعی علمی نیز استفاده شود تا تفسیر آیات روشن تر شود.

دلیل سوم تفسیر علمی در حقیقت نتیجه دلیل اول و دوم است و شاید نتوان آن را به عنوان دلیل مستقل پذیرفت.

پی نوشت ها:

1) جرجی زیدان، تاریخ التمدن الاسلامی، ج 2، ص 153 .

2) البته در برخی احادیث اهل بیت علیهما السلام نیز نکته های علمی در تفسیر آیات قرآن آمده است . مثلا در مورد تعداد 360 مشرق و مغرب در سوره معارج آیه 40 (شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص 221) و نام سیاره ها در تفسیر تکویر آیه 15- 16 (مجمع البیان، ج 1، ص 677) و . . . که یکی از موارد تفسیری اهل بیت علیهما السلام به شمار می آید، ولی تفسیر علمی مصطلح نیست; چون از یافته های علمی در تفسیر قرآن استفاده نشده است بلکه اهل بیت علیهما السلام اسرار علمی آیه را با کمک علم امامت بیان کرده اند که این جزئی از تفسیر روایی می شود .

3) ر . ک: رسائل ابن سینا، چاپ هند، 1908 م ص 124- 125; ذهبی، التفسیر والمفسرون، ج 2، ص 426 .

4) احیاء علوم دین، باب رابع از ابواب آداب تلاوت قرآن، ج 1، ص 289 .

5) جواهر القرآن، فصل پنجم، ص 25 .

6) البرهان فی علوم القرآن، ج 2، ص 181 .

7) بحارالانوار، ج 57، ص 5 .

8) محمدبن ابراهیم صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، ج 2، ص 289، 293 .

9) طبایع الاستبداد و مصارع الاستعباد، ص 43- 46 .

10) سوره بقره (48) آیه 67- 72 .

11) الجواهر فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 84- 89 .

12) سوره زخرف (49) آیه 10 .

13) شهرستانی، اسلام و هیئت، ترجمه خرمشاهی، ص 110 .

14) همان .

15) القرآن و العلم الحدیث، ص 156 .

16) ر . ک: المیزان، ج 1، ص 7 .

17) المنار، ج 2، ص 458 .

18) همان، ج 1، ص 55 .

19) ر . ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 7 .

20) التفسیر و المفسرون، ج 2، ص 458، به نقل از الموافقات، ج 2 ص 76- 69 (با تلخیص).

21) همان، ص 488 .

22) سوره نحل (50) آیه 89 .

23) سوره انعام (51) آیه 38 .

24) التفسیر و المفسرون، ص 489 .

25) مجله الرسالة، شماره های 407 و 408، 1941 م، به نقل از احمد عمر ابو حجر التفسیر العلمی فی المیزان، دارالقیبه، ص 299- 302 .

26) الاسلام و الطب و الحدیث، با مقدمه شیخ مراغی، ص 5، به نقل از التفسیر والمفسرون، ج 2، ص 519 .

27) تفسیر فی ظلال القرآن، ج 1، ص 260 .

28) المیزان، ج 18، ص 382 .

29) مجله پیام قرآن، پیش شماره، ص 48، (انتشارات دار القرآن کریم قم).

30) آیة الله سبحانی، تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، ص 315 .

31) التمهید، ج 6، ص 31، به بعد .

32) سوره بقره (52) آیه 219 .

33) سوره یس (53) آیه 36 .

34) سوره رعد (54) آیه 2; سوره لقمان (55) آیه 10 .

35) سوره یس (56) آیه 38 .

36) سوره بقره (57) آیه 219 .

37) سوره حج (58) آیه 5; سوره مؤمنون (59) آیه 12- 14 .

38) سوره حجر (60) آیه 22 .

39. The bible the quran and science maurice bucaille.

این کتاب چند بار به فارسی و عربی ترجمه شده است: عهدین، قرآن و علم، ترجمه حسن حبیبی انتشارات سلمان، 1357 ش; مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ذبیح الله دبیر، انتشارات فرهنگ اسلامی، 1365 ش . این کتاب به عربی نیز دو ترجمه دارد: التورات و الانجیل و القرآن و العلم الحدیث، دراسته الکتب المقدسته فی ضوء المعارف الحدیثه .

40) این استدلال را علامه طباطبایی در المیزان، ج 1، ص 7 از قول طرفداران تفسیر علمی آورده اند .

41) عبدالرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، دار الکتاب العربی، 1973 م ص 26 .

42) سوره نحل (61) آیه 89 .

43) ر . ک: محمد علی رضایی، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص 185- 200; الاسس المنطقیه للاستقراء، ص 135 و 383- 400; مظفر، المنطق ص 264 .

44) ر . ک: در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص 391- 412 .

45) سوره نحل (62) آیه 89 .

46) در حوزه امور مربوط به هدایت بشر نیز بیشتر کلیات بیان شده است و جزئیات را پیامبر و اهل بیت علیهما السلام بیان کرده اند .

47) ر . ک: المنار، ج 7، ص 395; طنطاوی، الجواهر، ج 8، ص 130; المیزان، ج 14، ص 325; تفسیر نمونه، ج 11، ص 381 در باره این آیه و آیه های مشابه سوره انعام، آیه 59 و 38 و روایات مربوط به آن در در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص 161 تا ص 178 بحث مبسوطی شده است .